

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهپافت**

سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲

صفحه ۱۷۱ تا ۱۹۲

دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

بنفشه حیدری / دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

bheydari1397@gmail.com

مهناز گودرزی / دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده

مسئول) mahnazgoodarzi60@gmail.com

چکیده

دیپلماسی انرژی به عنوان یکی از شاخه‌های دیپلماسی اقتصادی، اهمیت بسزایی در مدیریت انتقال منابع انرژی دارد، یعنی کشورها با آگاهی از سیاست‌های انرژی همدیگر می‌توانند با اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب، با یکدیگر همکاری کنند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: چگونه دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر ظرفیت ارتقای همکاری در آسیای مرکزی تأثیرگذار باشد؟ فرضیه‌ای که به دنبال این سؤال مطرح می‌شود: با به کارگیری هدفمند و سنجیده دیپلماسی انرژی، ایران می‌تواند به همکاری و همگرایی منطقه‌ای و جهانی دست بزند و از این طریق باعث افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت انرژی شده و علاوه بر آن، با کاهش تهدیدات حوزه‌ی تولید و افزایش سطح تولید و در نتیجه افزایش صادرات انرژی، به امنیت انرژی پایدار در بستر منطقه‌ای دست پیدا کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و انزوای این کشور توسط آمریکا در پیمان‌ها و قراردادهای منطقه‌ای، به ویژه در حوزه‌ی انرژی، می‌تواند آثار منفی در روابط این کشور با آسیای مرکزی و نیز قدرت‌های منطقه‌ای و بانفوذ (چین، روسیه، ترکیه) داشته باشد. پژوهش حاضر، روش توصیفی - تحلیلی را به عنوان روش تحقیق خود برگزیده و داده‌ها و اطلاعات را به روش کتابخانه‌ای و به طریق فیش‌برداری جمع‌آوری کرده است.

کلیدواژه: ژئوپلیتیک، انرژی، خطوط لوله انتقال انرژی، آسیای مرکزی، سیاست خارجی ایران.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۳

مقدمه

آسیای مرکزی شامل پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در میان فضای اقلیمی اوراسیا واقع شده است. این منطقه به‌رغم قرار گرفتن در حصار خشکی، میان کشورهای منطقه با جامعه جهانی و وارث اقتصاد بزرگ جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به‌شمار می‌رود که امروزه به دلیل کشف منابع غنی انرژی، بر اهمیتش افزوده شده است. آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های مهم انرژی محسوب می‌شود. این منطقه که حول دریای خزر واقع شده است قلب و روح ژئوپلیتیک جهانی را در محاصره خود در آورده است. این امر موجب پیدایش رقابت‌های پنهان و پیدا میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است که خود ضرورت پرداختن به ژئوپلیتیک انرژی این منطقه را روشن می‌نماید.

دسترسی به منابع انرژی و نیز انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌ها و فضاها بدون انرژی یا نیازمند و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای سیاست جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است. در این میان جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط ژئوپلیتیک و منابع انرژی خود، نیازمند مذاقه بیشتری در تعریف سیاست‌های منطقه‌ای است. ایران یکی از تولیدکنندگان مهم انرژی در منطقه و جهان است و بیشترین میزان تولید کشور مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ است. انقلاب ایران و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ضربه سنگینی بر این صنعت وارد کرد و میزان تولید را به یک میلیون بشکه در روز کاهش داد در دهه‌های اخیر نیز تحریم‌های بین‌المللی توانسته است بخش مهمی از تولید و صادرات انرژی این کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد. همچنین می‌توان گفت تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاثیر بسزایی بر حوزه انرژی و دیپلماسی انرژی در ایران دارد. شاید هیچ چیز به اندازه نفت و گاز در سیاست جهان و تحولات ژئوپلیتیکی امروز تاثیر نداشته باشد. با توجه به اهمیت انرژی و جایگاه آن در تعاملات بین‌المللی از لایه‌های مهم و اساسی دیپلماسی کشورها، دیپلماسی انرژی می‌باشد بر این اساس می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی برنامه‌های راهبردی و جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشورمدون نموده و چهارچوب کلی توافقات را مشخص می‌سازد. در زمینه استفاده از دیپلماسی انرژی، گاز طبیعی یکی از کالاهای استراتژیک بوده و دارندگان منابع گازی

می‌توانند از آن برای تاثیرگذاری بر معادلات سیاسی و منطقه‌ای و جهانی به نفع خود استفاده کنند. ایران با توجه به منابع سرشار نفت و گاز به دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیک انرژی امکان ایفای نقشی راهبردی در عرصه تعاملات انرژی در سطح منطقه و جهان را دارد. سهم جمهوری اسلامی ایران از تولید و تجارت و انتقال انرژی می‌تواند موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای و افزایش امنیت و قدرت ملی کشور شود.

بنابر آنچه ذکر شد، ما در مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که چگونه دیپلماسی انرژی ایران بر ظرفیت ارتقای همکاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است؟ برای یافتن پاسخ به این سؤال، ما از یک سو مرادوات ایران با کشورهای آسیای مرکزی و حوزه‌ی دریای خزر به خصوص در حوزه‌ی انرژی را بررسی کرده و از سوی دیگر، فضای رقابتی - مشارکتی ایران با قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی در ارتباط با آسیای مرکزی را مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

۲- پیشینه تحقیق

صادقی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی تعاملات اقتصاد سیاسی انرژی ایران در آسیای مرکزی پرداخته است. بنا به اعتقاد این مولف، با وجود موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک مهم کشورهای آسیای مرکزی در حوزه‌ی انرژی و نیاز مبرم آنها به زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در مسیرهای انتقال انرژی، انزوای بین‌المللی ایران در عرصه بین‌المللی و اعتراض این کشور به روندهای بین‌المللی موجود، باعث شده تا نتواند از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود استفاده بهینه نموده و جایگاه خود را به رقبای منطقه‌ای واگذار کرده است.

گل‌افروز (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با تبیین ژئوپلیتیک انرژی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع می‌پردازد که به‌رغم وجود منابع نفتی و گازی عظیم و موقعیت ژئوپلیتیک ویژه، ایران به دلیل گفتمان غرب‌ستیزانه خود و نیز وابستگی اقتصادی به نفت موفق نشده است وزن ژئوپلیتیک خود را در منطقه حفظ نماید.

ابراهیم‌پور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به رقابت ایران و روسیه بر سر تامین انرژی در دوران پساتحریم پرداخته است. وی معتقد است که با وجود همکاری تنگاتنگ ایران و روسیه، اما برداشته شدن تحریم‌ها و بازگشت ایران به صحنه بین‌المللی می‌تواند این کشور را به رقیبی جدی برای روسیه در حوزه انرژی تبدیل کند؛ چرا که علاوه بر خاورمیانه، نفوذ ایران در

آسیای مرکزی و جنوب قفقاز نیز احیا خواهد شد و در نتیجه صادرات انرژی روسیه به چالش کشیده می‌شود.

حمیدی‌نیا و صالحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به مطالعه موردی روسیه، آمریکا و چین در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. مولفان نشان داده‌اند که هر یک از قدرت‌های نامبرده سعی می‌کنند تا در راستای منافع خود، نفوذ بیشتری در منطقه مورد بحث اعمال نمایند و در نتیجه سیاست‌های هژمونیک یکدیگر را به ویژه در حوزه انرژی، به چالش می‌کشند. فرضیه‌ی این تحقیق، بدل شدن چین به قدرت اصلی در آسیای مرکزی خواهد بود.

قادری و بخشی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی دیپلماسی ترکیه در آسیای مرکزی پرداخته‌اند و تلاش این کشور برای ایجاد اتحاد بین کشورهای ترک‌زبان منطقه را راهی برای مقابله با نفوذ ایران و روسیه ذکر کرده‌اند که طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی (حوزه انرژی)، فرهنگی و نظامی را شامل می‌شود.

کازانتسزف^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به جایگاه آسیای مرکزی در اوراسیا از خلال رابطه چین و روسیه پرداخته‌اند؛ یعنی دو ابرقدرت که فرآیند ادغام کشورهای آسیای مرکزی را بر اساس منافع و مصالح خود، شکل می‌دهند. بر طبق نظر مولفان، تشکیل یک اوراسیای بزرگتر که چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را شامل شود، در وهله نخست متاثر از نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی چین و روسیه خواهد بود که در فضایی سرشار از رقابت و مشارکت به سر می‌برند.

نوآوری پژوهش حاضر، تمرکز بر دیپلماسی انرژی ایران در آسیای مرکزی و حوزه خزر با تکیه بر روابط همگرایانه و واگرایانه‌ی این کشور با قدرت‌های منطقه‌ای است که در آسیای مرکزی، منافع خود را در قالب ائتلاف و رقابت دنبال می‌کنند.

۳- چارچوب نظری: دیپلماسی انرژی

دیپلماسی انرژی به مجموعه رفتارها و تعاملاتی گفته می‌شود که یک کشور در حوزه انرژی حداقل به دو منظور در تعامل با کشورهای جهان آن را به کار می‌برد. به عبارت دیگر دیپلماسی انرژی مجموعه‌ای از رفتارها و تعاملاتی است که یک کشور با جامعه جهانی برای پیشبرد حداقل دو هدف از آن استفاده می‌کند. این دو هدف یکی به حوزه انرژی و دیگری به حوزه امنیت ملی یا منافع ملی کشور باز می‌گردد. دیپلماسی انرژی مبتنی بر

^۱. Kazantsef

دیپلماسی کنش مند و مستلزم تعامل با دیگر بازیگران برای دستورالعمل سازی، تعریف بازی جدید در زمینه تأمین امنیت انرژی فراگیر و تدوین قواعد رفتاری جهانی در بخش انرژی است. به این دلیل که دیپلماسی امروز از حالت امنیتی- سیاسی به دیپلماسی اقتصادی- سیاسی تبدیل شده است بر هماهنگی و هدفمند بودن دستگاه دیپلماسی و اقتصادی تأکید بیشتری وجود دارد، چرا که قدرت رقابت پذیری اقتصاد و ضریب اعتبار و امنیت کشورها را افزایش می‌دهد (حسین زاده، ۱۴۰۰).

دیپلماسی انرژی، نماد آمیختگی سیاست و اقتصاد به ویژه در عصر جهانی شدن و تعامل عرصه‌های مختلف روابط بین‌الملل است. تحول رویکردهای سخت‌افزاری به قدرت و امنیت، پای اقتصاد را به این عرصه‌ها باز کرده است. اگرچه انرژی در قرن بیستم نیز مرکز توجه بسیاری از کشورها بوده، نقش آن به عنوان پیشران در تعامل دو عرصه سیاست و اقتصاد به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش است (اصغر خانیان و همکاران، ۱۱۳: ۲۰۱۰). در این محیط می‌توان از دیپلماسی انرژی سخن گفت که هدف آن تلفیق منافع ناشی از فروش و انتقال انرژی با هدف‌های سیاست خارجی است. دیپلماسی انرژی کشورها، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راهبردهایی است که در ارتباط با مدیریت راهبردی منابع انرژی، استخراج، مصرف و انتقال حامل‌های انرژی در بستر همکاری و رقابت با دیگر دولت‌ها طراحی می‌شود و هدف آن بیشینه سازی منافع ملی و کاهش حداکثری تهدیدها است. دیپلماسی انرژی به عنوان یک برنامه متقن، منسجم و کارآمد می‌تواند بازارهای هدف انرژی جهانی را تشخیص داده و با تحلیل آن‌ها، برنامه‌هایی برای حضور مؤثر در این بازارها ارائه کند و در مقابل تحولات جهانی عرصه انرژی، رویکردهای مناسب را به سیاست‌گذاران کشور دیکته کرده و در نهایت سبب صادرات انرژی آنان را تعیین کند (گریفیتس^۱، ۲۰۱۹: ۳).

بدین ترتیب، مسئله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و غیره؛ همچنین انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌ها و فضاها بدون انرژی و نیازمند و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی؛ همچنین تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است (صادقی،

¹. Griffiths

دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷). به عنوان مثال، پیشبرد سیاست خارجی قطر با مقوله صادرات گاز و امنیت ملی این کشور گره خورده است. قطر در عرصه سیاست خارجی درصدد تبدیل شدن به یک بازیگر تأثیرگذار در سطح منطقه‌ای است. بدین منظور این کشور از عنصر دیپلماسی انرژی به خوبی استفاده کرده است. از همان ابتدا، سیاست‌گذاران انرژی این کشور راهبرد تبدیل شدن به یک عربستان گاز طبیعی را برای این کشور طراحی کردند. بدین ترتیب قطر از سال‌های دهه ۱۹۸۰ تلاش کرده تا خود را به عنوان «عربستان دیگری در گاز طبیعی مایع» مطرح کند. تنوع مقاصد صادراتی که با راهبرد توسعه صادرات گاز طبیعی مایع همراه شده، به این کشور اجازه می‌دهد تا نقش بسیار فعالی را در بازار جهانی انرژی ایفا کند. صادرات گاز مایع از طریق دریا دسترسی بسیار قابل توجهی برای این کشور به ارمغان آورده است. به گونه‌ای که قطر در حال حاضر در بیشتر نقاط جهان مقصد صادراتی دارد (کریمی‌پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶). تحقق فرآیند معطوف به دیپلماسی انرژی، صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی و تحرک بین‌المللی فراهم شود. به این ترتیب، پیگیری فرآیند معطوف به دیپلماسی انرژی، نیازمند بهره‌گیری از استراتژی توسعه منابع و گسترش همکاری‌ها در بازار جهانی می‌باشد.

به موازات چندجانبه‌گرایی، پیگیری موضوع دیپلماسی انرژی نیازمند مشارکت با کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ، شرکت‌های چند ملیتی، بازارهای منطقه‌ای و بازارهای جهانی است. هریک از کشورها، شرکت‌ها و سازمان‌های یاد شده، نقش تفکیک شده‌ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی ایفا می‌نمایند. به طور کلی پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان‌پذیر می‌سازد. شاخص‌های آن را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرارداد:

الف. دسترسی به بازارهای جهانی؛

ب. جذب سرمایه خارجی به طور مستقیم - غیرمستقیم، دو جانبه - چندجانبه؛

ج. حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی؛

د. خار شدن بازار نفت از انحصار شرکت‌های بزرگ چندملیتی که قادر به کنترل تولید، بازار و قیمت کالا می‌باشد؛

ه. تنوع بخشی به مسیرهای انتقال انرژی که از طریق الگوهای چندجانبه حاصل می‌گردد؛

و. مدیریت کنترل قیمت در شرایط بی‌ثباتی و ناپایداری در اقتصاد جهانی؛

ز. مبارزه با اقدامات تروریستی که می‌تواند در انتقال انرژی اختلال ایجاد نماید (مادسن، ۱۳۸۶)

۴- دیپلماسی انرژی ایران در آسیای مرکزی

ظهور کشورهای مستقل جدید در منطقه شمال شرق ایران، فرصتها و چالش‌های گوناگون برای این کشور فراهم کرده است. روابط اقتصادی ایران با جمهوریهای آسیای مرکزی در دهه‌های اخیر به دلیل تاثیرات عوامل مختلف، نوسانات چشمگیری داشته است. ترکیب عواملی مانند پیوندهای مشترک تاریخی، تاثیر وضعیت امنیتی در منطقه، جمعیت مسلمانان و جاذبه‌های اقتصادی، اهمیت توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی را بر جسته کرده است. در این راستا، روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی متأثر از تحولات دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. زمینه‌های مهم مشترک اقتصادی ایران با آسیای میانه به شرح زیر هستند:

الف. یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران بر توسعه همکاری‌های اقتصادی بیشتر میان خود و آسیای مرکزی در چهارچوب سازمان همکاری‌های اقتصادی گسترده و همچنین در قراردادهای دو جانبه با کشورهای آسیای مرکزی تاکید زیادی داشت. ایران توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای با آسیای مرکزی را وسیله‌ای برای کاهش انزوای بین‌المللی خود در برابر تداوم خصومت آمریکا می‌داند، زیرا تحریم‌های اقتصادی تنبیهی مانع از توسعه اقتصاد ایران شده است. کشورهای تازه استقلال یافته فرصت‌های تجاری جدید بالقوه‌ای را ارائه کردند و برای ایران امکانات تازه‌ای جهت تعامل در بخش منابع فراهم شد ایران همچنین همکاری با آسیای میانه را برای ثبات و امنیت منطقه حیاتی میدانند نکته کلیدی که اغلب در بحث روابط ایران با آسیای مرکزی مطرح می‌شود، موقعیت ژئواستراتژیک آن است. ایران اغلب برای کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به عنوان «پل» یا «دروازه» به سوی آبهای آزاد جهانی توصیف می‌شود. این امر برای کشورهای غنی از منابع مانند قزاقستان و ترکمنستان کاربرد ویژه‌ای دارد؛ زیرا ایران کوتاهترین مسیرها را برای رسیدن هیدروکربنهای آنها به بازار جهانی فراهم میکند. با این حال، استفاده از ایران به عنوان کشور ترانزیتی برای چنین منابع و خطوط لوله به دلیل دخالت مستمر آمریکا در منطقه خزر مشکل ایجاد کرده است (Herzing, ۲۰۱۷).

ب. خطوط لوله: مسیرهای خط لوله، مسئله محوری در ژئوپلیتیک مناطق را تشکیل میدهند. با وجود اینکه ایران کوتاهترین مسیر را به اقیانوس جهانی برای منابع خزر که اساساً محصور در خشکی هستند ارائه می‌کند، منافع آمریکا در منطقه از لحاظ تاریخی حکم می‌کند که هر مسیری باید از جمهوری اسلامی دوری بماند. برای مقابله با این امر، ایران کشوری با حرکات خلاقانه توصیف می‌شود که تلاشهای آمریکا را برای کنار گذاشتن از قراردادهای انرژی خزر دور میزند. (Dekmejian & Simmonian, ۲۰۱۷: ۳۸-۳۹)

۵- دیپلماسی انرژی آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به عنوان صفحه جدید ژئوپلیتیک در ۱۹۹۱ با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد که شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان با وسعت حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت حدود ۵۳ میلیون نفر است. این منطقه در قلب آسیا قرار دارد و از شرق با چین، از جنوب با افغانستان و ایران از شمال با روسیه و از غرب با دریای خزر غنی از انرژی همسایه است. جمهوری های آسیای مرکزی با مشکلات اقتصادی فراوان بنا دارند از منابع انرژی خود نهایت استفاده را برای بازسازی کشور و اقتصادهای خود ببرند. ظهور این منطقه، همزمان با بحران شدید انرژی در جهان و وابستگی بیش از حد به کشورهای ناپایدار خاورمیانه، بدون شک توجه جهانیان را به این منطقه جلب کرده است که عمدتاً بر بهره‌برداری، کنترل منابع انرژی منطقه و مدیریت شبکه‌های خط لوله متمرکز است. از این رو، در این منطقه رقابتی خزانده در جریان است که بسیاری از آن زیر عنوان منابع سیاسی و دیپلماسی خط لوله که در میان بازیگران اصلی منطقه ای و جهانی برای منابع و نفوذ در جریان است نام می‌برند (Pradhan, ۲۰۱۹).

آسیای مرکزی غنی از هیدروکربن است و فرصتهای عظیمی برای کشف، تولید، حمل و نقل و پالایش حجم عظیمی از نفت، گاز و سایر منابع انرژی ارائه می‌دهد. قزاقستان با ذخایر بزرگ نفت، زغال سنگ و مقادیر در خور توجهی ذخایر اورانیوم شناخته می‌شود؛ در حالی که ترکمنستان و ازبکستان به ذخایر گاز خود مشهور هستند. قرقیزستان مقدار درخور توجهی نیروی برق آبی تولید می‌کند. ذخایر اثبات شده نفت از ۹ تا ۴۰ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی احتمالاً بیش از ۱۳۱ تریلیون فوت مکعب است. با این احتساب، آسیای مرکزی در واقع در حال آمادگی برای تبدیل شدن به تأمین کننده اصلی انرژی جهان، به ویژه در بخش های نفت و گاز است (Patnaik, ۲۰۱۶).

ذخایر نفت منطقه در سال ۲۰۱۸ تقریباً ۳ درصد (۲۸۴.۳۸ میلیون بشکه) از ذخایر نفت جهان بود. قزاقستان با ذخایر اثبات شده ۳۱/۲ هزار میلیون بشکه، با ظرفیت تولید ۲۱۴۷ هزار بشکه در روز، تولید کننده اصلی نفت در منطقه است. بر اساس برآوردهای بریتیش پترولیوم، ذخایر نفتی ترکمنستان تقریباً ۶۰۰ میلیون بشکه ثابت شده است و ظرفیت تولید ۱۸۵ هزار میلیون بشکه در روز دارد (BP, ۲۰۱۸). مجله نفت و گاز تخمین می زند که کل ذخایر انرژی اولیه اثبات شده و پیش بینی شده ازبکستان بالغ بر ۵/۵ میلیارد نفت و زغال سنگ با ۱۷۱ میدان نفت و گاز طبیعی کشف شده در این کشور است و مسائل انرژی در اولویت اصلی دستور کار رئیس جمهور میرضیایف قرار دارد (US Department of Commerce, ۲۰۲۱).

همچنین، آسیای مرکزی منطقه تولید کننده گاز است. این منطقه ۴ درصد (۲۷۰ - ۳۶۰ تریلیون فوت مکعب) از ذخایر گاز جهان را در خود جای داده است. ترکمنستان و ازبکستان دو تولید کننده اصلی گاز هستند و قزاقستان ذخایر درخور توجهی دارد. ترکمنستان دارای ۱۹/۵ تریلیون مترمکعب ذخایر اثبات شده با ظرفیت تولید ۶۳ میلیارد مترمکعب، ازبکستان دارای ۱/۶ میلیارد مترمکعب ذخایر گازی با ظرفیت تولید ۵۷/۷ میلیارد مترمکعب و قزاقستان دارای ذخایر گاز ثابت شده ۳ تریلیون مترمکعب و ذخایر پیش بینی شده ۵ تریلیون متر مکعب است (US Department of Commerce, ۲۰۲۲).

علاوه بر این، این منطقه ذخایر وسیع زغال سنگ دارد. قزاقستان با تخمین ۳۳۶۰۰ میلیون تن سنگ در کاراگاندا و مناطق دیگر بزرگترین تولید کننده زغال سنگ در آسیای مرکزی است. ازبکستان همچنین ۳/۳ میلیارد تن زغال سنگ دارد و قرقیزستان نیز دارای ذخایر زغال سنگ در خور توجهی است. زغال سنگ قزاقستان به طور منظم با برق قرقیزستان مبادله می شود و صنعت زغال سنگ یکی از صنایع اصلی در قزاقستان است. ظرفیت برق آبی منطقه آسیای مرکزی نیز اهمیت زیادی دارد. تقریباً ۸۵ درصد از منابع آب منطقه در تاجیکستان و قرقیزستان واقع شده اند (Domnin, ۲۰۱۹). همچنین قزاقستان و ازبکستان دو کشور بزرگ در میان کشورهای آسیای مرکزی هستند که بیشترین میزان استراتژیک اورانیوم را دارند. قزاقستان با داشتن حدود ۹۴۰۱۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده بیشترین مقدار اورانیوم را در منطقه دارد. ازبکستان ۱۵۰ هزار تن ذخایر اورانیوم دارد. تاجیکستان و قرقیزستان دارای مقادیر درخور توجهی سنگ معدن اورانیوم و ظرفیت غنی سازی آن هستند (World Nuclear Association, ۲۰۲۱).

در این چارچوب می‌توان گفت که خلأ سیاسی این منطقه که پس از فروپاشی ناگهانی اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده است. ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند در حال نزدیک شدن به سطوح جدیدی از رقابت در آسیای مرکزی هستند و منابع انرژی آسیای مرکزی نقطه‌ی مشترک همه‌ی این قدرت‌ها است (Krapohl & Dienes, ۲۰۲۰). عوامل انگیزشی که قدرت‌های جهانی در منابع انرژی آسیای مرکزی دنبال می‌کنند به شرح زیر هستند:

۱. نفت این منطقه از کیفیت خوبی برخوردار است.
۲. آسیای مرکزی یکی از آخرین بخش‌های بزرگ جهان است که فرصت‌هایی را برای کشف، تولید، حمل و تصفیه حجم عظیمی از نفت و گاز و سایر منابع انرژی ارائه می‌دهد.
۳. از آنجا که بیشتر از ذخایر آن کشف نشده و توسعه نیافته است، سهم آن در بازار جهانی انرژی بسیار امیدوارکننده به نظر می‌رسد.
۴. اگرچه کشورهای آسیای مرکزی، ذخایر نفت و گاز بزرگی در اختیار دارند؛ اما از سرمایه و فناوری لازم برای تولید به تنهایی برخوردار نیستند، واقعیتی که این فرصت را برای شرکت‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری و به دست آوردن سهم در تولید و درآمدها فراهم می‌کند (Pizzolo & Carteny, ۲۰۲۱: ۵۶).
۵. نکته مهم این است که بیشترین بخش نفت آسیای مرکزی برای صادرات در نظر گرفته شده است؛ زیرا نیازهای داخلی کشورهای تولیدکننده نسبتاً کم است و انتظار می‌رود همچنان پایین بماند.
۶. آسیای مرکزی در مقایسه با سایر مناطق غنی از انرژی، منطقه‌ای نسبتاً پایدار است. در کنار این‌ها، دو عامل عمده‌ی دیگر نیز وجود دارند که قدرت‌های جهانی را بر آن می‌دارد تا منافع خود را در بخش‌های انرژی آسیای مرکزی گسترش دهند. نخست، کشورهای جهان در تلاش برای به دست آوردن انرژی جهت تأمین نیازهای مصرف داخلی خود هستند. دوم، امروزه انرژی چیزی فراتر از منابع طبیعی است؛ درباره کالایی استراتژیک است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد قدرت اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهند.

دریای خزر بزرگترین دریای محصور است. عامل اصلی که توجه جهان را به حوزه‌ی خزر جلب کرد چشم‌انداز ذخایر بزرگ نفت و گاز آن در این منطقه است. این حوزه متشکل از پنج کشور ساحلی روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، ۷

درصد از کل تولید گاز جهان را تشکیل دهد که بسیار بیشتر از سهم نفتی آن در کل تولید نفت جهان است (US Department of Commerce, ۲۰۲۱).

از طرفی، روسیه و اوکراین هر دو بازیگران مهمی در انرژی جهانی و روسیه سومین تولیدکننده و صادرکننده نفت در جهان است. همچنین بحران اوکراین تاثیر بسزایی در مورد زندگی روزمره مردم و مشاغل آنها در سراسر جهان داشته است. با توجه به شرایط پیش آمده در اوکراین و طولانی شدن این درگیری بعید به نظر می‌رسد که این مناقشه در کوتاه مدت حل و فصل شود. تاثیر این مناقشه در بازارهای جهانی تقویت شده و اثرات بسیار جدی بر اقتصاد و جوامع در سراسر جهان خواهد گذاشت. وابستگی بیشتر برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به واردات انرژی روسیه باعث افزایش فشارها بر این کشورها شده است. در همین حال، دولت ایالات متحده شرکت‌های آمریکایی را از سرمایه‌گذاری در توسعه تولید انرژی روسیه ممنوع کرده است و از شهروندان آمریکایی خواسته تا از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خارجی که در تولید انرژی روسیه است مشارکت نداشته باشند. با توجه به شرایط بیان شده و تغییر در نظم و امنیت در نظام بین‌الملل در واقع، یکی از مهم‌ترین بازیگران آتی تامین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به دلیل قرار گرفتن در یکی از عمده‌ترین حوزه‌های استراتژیک جهانی و دارا بودن اکثریت شاخصه‌های مربوط به ثبات‌سازی و امنیت آفرینی، ایران است. کشورهای اروپایی بی‌علاقه نیستند که مبدا تامین گاز خود را تغییر دهند، یا حداقل نیازهای خود را محدود به منابع ثابت و ویژه نکنند. بنابراین از دیرباز توجه ویژه به ایران داشته‌اند که دومین دارنده ذخایر گازی دنیا است. با توجه به سابقه روسیه در قطع جریان گاز به شرق و غرب اروپا، کوشش برای متنوع ساختن منابع تامین گاز اروپا، برای افزایش ضریب امنیت توزیع انرژی، بیش از هر زمان مورد توجه مراکز تصمیم‌گیری در اروپا قرار گرفته است. نکته مهم، چشم‌پوشی نکردن از قابلیت‌های ایران است که در مسیر اصلی انتقال انرژی آسیای مرکزی است. این امر باعث شده تا اروپا درصدد یافتن منابع نفتی مطمئن و جایگزین به آسیای مرکزی و قفقاز روی آورده و پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را در این مناطق دنبال کند.

در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: نخست موقعیت ژئوپلیتیک کشور و سپس، نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی. در واقع، می‌توان در این چارچوب بیان کرد که انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج و در بلندمدت یکی از اهداف راهبردی ایران برای از میان برداشتن تحریم‌های

اعمالی توسط اروپا و غرب می‌باشد. این به معنای ضرورت مشارکت و تعامل ایران در امور جهانی با انگیزه استفاده از امکانات خارجی برای توسعه، رفع موانع و تهدیدات بین‌المللی و از همه مهم‌تر، ارائه تصویری از ایران به عنوان فرصتی بین‌المللی در میان‌مدت و بلندمدت است. این موضوع دربردارنده توسعه ایران و هم‌ابزاری در جهت کسب قدرت در اهداف سیاست خارجی می‌باشد.

۶- دیپلماسی طرح‌های کلان انتقال انرژی در آسیای مرکزی و جایگاه ایران

دریای خزر، حلقه اتصال کشورهای آسیای مرکزی با روسیه و ایران و محل تلاقی محورهای ارتباطی شمال اروپا به اقیانوس هند و شرق دور است و کشور ایران از نظر موقعیت مرکزی در کانون این منطقه و محور ارتباطی طرح‌های کلان انتقال انرژی آن قرار دارد.

مراودات جمهوری اسلامی با رقبای منطقه‌ای

منابع سرشار انرژی منطقه آسیای مرکزی، سبب شده است که این منطقه، عرصه رقابت قدرت‌های بانفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد و بازی بزرگ قدرت‌های بزرگ قرن نوزدهم در این منطقه را یادآور شود.

چین

رابطه انرژی محور ایران با چین در آسیای مرکزی، قبل از هر چیز به موقعیت فوق‌العاده ایران هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر استراتژیک برای چین باز می‌گردد. ایران نه تنها امکان کوتاه‌ترین اتصال به بازارهای سنتی و نوظهور انرژی را دارد، بلکه همچنین می‌تواند در راستای حمل و نقل برای جریان گاز آسیای مرکزی، به یک راه حل مهم تبدیل شود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران دیپلماسی چندجانبه و عملگرایی‌ای را در زمینه‌های مختلف دنبال کرده است و در همین راستا، با استفاده از سازوکارهای چندجانبه مختلف به منظور مشارکت فعالانه در همکاری‌های نفت و گاز با قزاقستان و ترکمنستان، به تقویت موضع خود در امور انرژی در آسیای مرکزی مبادرت ورزیده است (Zhou et al., 2020: 1885). به‌زعم ما این نکته کلیدی را در هنگام بررسی ذهنیت همتای چینی، نباید از نظر دور داشت. از جمله مسیرهای صادرات انرژی از آسیای مرکزی، طرح «جریان جنوبی»^۱ است که منابع را از طریق ایران، خلیج فارس و تنگه هرمز به تمام نقاط جهان

^۱. South Stream

منتقل می‌کند. این مسیر برای کشورهای آسیایی و در راس آنها چین بهترین انتخاب است. در این زمینه، ایران خط لوله کورپجه - کردکوی^۱ و دولت آباد - سالیپ یار^۲ را افتتاح کرده و همکاری با ترکمنستان را تعمیق بخشیده و علاوه بر این، ساخت پروژه خط لوله گاز طبیعی ایران-ترکیه-اروپا^۳ و همچنین خط لوله نفت قزاقستان-ترکمنستان-ایران^۴ را در کنار قزاقستان و ترکمنستان، فعالانه دنبال کرده است. با در نظر گرفتن این که ایران دارای منابع نفت و گاز فراوانی است، بنابراین هدف از این همکاری در آسیای مرکزی صرفاً به دست آوردن منابع بیشتر انرژی نیست. به عبارت دیگر، ایران و چین در آسیای مرکزی دارای تضاد منافع نیستند و همین امر بر رابطه تنگاتنگ این دو کشور در این منطقه، گواهی می‌دهد. نکته دیگر که باید بر آن تاکید کرد و البته در تکمیل دیدگاه فوق است، سیاست محاصره و مهار و متعاقب آن، اعمال تحریم‌های مختلف توسط ایالات متحده علیه ایران است که باعث شده تا جایگاه ایران در ساختارهای انرژی آسیای مرکزی و در سطح جهانی به شدت محدود شود. بنابراین ایران به منظور مقابله با سیاست‌های آمریکا، تمایل بیشتری برای ایجاد و اجرای همکاری‌های انرژی با چین از خود نشان می‌دهد. این تمایل، در سطحی دیگر با روسیه - که در کنار چین، بازیگر اصلی انرژی در منطقه است - به چشم می‌خورد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

روسیه

تا سال ۱۹۹۷، در بخش حمل و نقل انرژی، این زیرساخت‌های به ارث رسیده از زمان شوروی بودند که شبکه‌های خط لوله را برای صادرکنندگان محصور در خشکی آسیای مرکزی به منظور دستیابی به بازارهای خارجی و تحت کنترل انحصاری گازپروم^۵، فراهم می‌ساختند. در واقع برای واردکنندگان اروپایی انرژی آسیای مرکزی، روسیه از این قدرت برخوردار است که از انحصار خط لوله خود برای جلوگیری از صادرات محصولات انرژی به مقصد کشورهای تامین‌کننده استفاده کند. سیاست روسیه به طور استراتژیک بر جامعه اقتصادی انرژی آسیای مرکزی و یکپارچگی برای ایجاد بستری نهادی برای همکاری و

¹. Korpeje-Kordkuy

². Dauletabad-Salyp Yar

³. Iran-Turkey-Europe Natural Pipeline Project (ITE)

⁴. Kazakhstan-Turkmenistan-Iran oil pipeline

⁵. Gazprom

تقویت آن متمرکز شده است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ به رهبری روسیه به طور رسمی در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد و کمیته مشورتی نفت و گاز متشکل از انرژی ملی بخش های کشورهای عضو برای ارزیابی و هماهنگ کردن سیاست ها ایجاد گردید. هدف این کمیته، توسعه بازار مشترک گاز، ایجاد فضای بازار واحد برای نفت و فرآورده های نفتی و تقویت همکاری منطقه ای انرژی در سراسر آسیای مرکزی بوده است. به همین ترتیب، روسیه قراردادهای همکاری نفتی با کشورهای ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان منعقد کرده است که طیف وسیعی را از تولید تا فروش انرژی شامل می شود. طبیعتاً سیاست های انرژی روسیه در این منطقه، بر استراتژی های انرژی بین المللی کشورهای آسیای مرکزی تأثیر می گذارد. از نظر همکاری عملگرایانه با کشورهای آسیای مرکزی، واضح است که روسیه از نظر تاریخچه، گستره و مقیاس همکاری انرژی دارای مزایای بی نظیری است. واضح است که از دیدگاه روسیه، آسیای مرکزی منطقه ای با اهمیت جغرافیایی استراتژیک ویژه است. بنابراین، روسیه برای حذف هرگونه سیاست خارجی و ورود نیروهای اقتصادی به این منطقه سرشار از منابع نفت و گاز تلاش می کند؛ طوری که سیاست انرژی این کشور در آسیای مرکزی را باید به مثابه یک اهرم مهم سیاسی و اقتصادی برای تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه دانست که موقعیت استراتژیک روسیه را در بازار بین المللی انرژی حفظ و آن را تضمین می نماید. به عنوان مثال، روسیه برای مقاومت در برابر گسترش قدرت ایالات متحده در آسیای مرکزی، در ژوئن ۲۰۰۶ پیشنهاد ایجاد یک باشگاه انرژی را در داخل این کشور به سازمان همکاری شانگهای ارائه داد (Zhou et al., 2020: 1876).

ذکر نکات فوق کافی است تا بر این مهم تأکید شود که چگونه سیاست های جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، به ویژه در حوزه انرژی، متأثر از موقعیت همه جانبه روسیه در معادلات مربوطه است. در وهله نخست، نباید فضای رقابتی را فراموش کرد؛ آن هم در منطقه ای که از نقطه نظر تاریخی تحت سیطره مدام امپراطوری های روسیه تزاری، ایران (پارس)، ترکیه (عثمانی) و نیز چین بوده است که تا امروز هم ادامه دارد. از یک سو، روسیه به آسیای مرکزی به عنوان «کمر بند امنیتی استراتژیک علیه ایران، افغانستان، پاکستان و چین» (قادری و بخشی، ۱۴۰۱: ۷۰) مورد استفاده واقع شده است و از سوی دیگر، از

^۱. Eurasian Economic Union (EEU)

زمان استقلال اقمار شوروی سابق، ایران و روسیه تلاش کرده‌اند تا مقاصد خود را بر اساس جدایی جغرافیایی به وجود آمده بنا کنند. در همین راستا، سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی ایران بخشی از منافع ملی خود را که با داعیه ایدئولوژیک همراه است با سیاست‌های روسی همسو نموده است: مخالفت با حضور بیگانگان، آمریکا ستیزی و مقابله با نفوذ آمریکا و غرب در منطقه، مقابله با افراط‌گرایی مذهبی. اتمسفر سیاسی - دیپلماتیک مزبور بر همکاری‌های اقتصادی دو کشور با یکدیگر و نیز بر نقاط اشتراک و افتراق آنها در بخش انرژی یا همان واگرایی و همگرایی (اسلامی، ۱۳۹۱) نیز تاثیر عمده داشته است. ایران و روسیه با در اختیار داشتن بیشترین سهم منابع طبیعی، دارا بودن موقعیت جغرافیایی و ژئواستراتژیک مهم، مخالفت با نفوذ ایالات متحده و نیز قدرت تاثیرگذاری در بین کشورهای منطقه و حوزه دریای خزر، در زمینه دیپلماسی انرژی (به خصوص در ارتباط با انتقال نفت و گاز) با همدیگر ائتلاف و همگرایی دارند.

با وجود این، واگرایی در دیپلماسی انرژی هر دو کشور نیز مشهود است که به نظر ما می‌توان آن را در چهار حیطة، مورد بازخوانی قرار داد:

تلاش روسیه برای تبدیل شدن به مونوپل تامین و انتقال گاز به اروپا که سدی بر سر راه انتقال گاز ایران به اروپاست و باعث شده است تا در عمل، دسترسی ایران به بازار اروپا و هر گونه سرمایه‌گذاری در این زمینه، قطع شود. حتی به نظر می‌رسد که روسیه در اغلب موارد از رابطه خصمانه ایران و غرب به سود منافع ملی خود استفاده کرده و با این کار عملاً ایران را از رقابت با خود حذف کرده است؛ طوری که پربیراه نیست اگر گفته شود که در زمان تحریم و انزوای ایران، این کشور «از هیچ تلاشی برای اشغال جایگاه ایران در صادرات انرژی فروگذار نکرده است» (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۵: ۳۱).

ایران نیز در راستای منافع ملی خود، هر چند با شدت و ضعف زیاد، در تلاش است تا به بازار انرژی اروپا دسترسی داشته باشد و از این رو بر روی پروژه‌های عظیمی مانند خط لوله نابوکو^۱ تاکید دارد که می‌تواند تسلط روسیه بر بازار انرژی ترکیه، بالکان و اروپای شرقی را مخدوش سازند و این امری است که موجب شده تا روسیه با مطرح کردن خطوط لوله جایگزین، با آنها مقابله نماید.

^۱. Nabucco

مسیرهای مد نظر ایران برای صادرات گاز طبیعی، رقابت این کشور را با روسیه در حوزه انرژی به دنبال دارد. مهمترین این مسیرها عبارتند از: مسیر اروپا (از طریق ترکیه و یونان)، مسیر آسیا به سمت پاکستان، هندوستان و چین - که خط لوله صلح^۱ بین ایران و هند و پاکستان، از مهمترین پروژه‌های مربوط به آن است - (Chaudhary, 2010) و مسیر به سمت کشورهای خلیج فارس.

اختلاف نظر و رقابت بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و مالکیت منابع موجود در بستر آن. خواسته ایران مبنی بر تعیین منابع بر اساس خطوط ساحلی کشورهای حاشیه دریای خزر، با مخالفت روسیه روبرو شده است؛ هر چند هر دو کشور در مخالفت با احداث خطوط لوله انتقال از زیر دریا، با همدیگر اتفاق نظر دارند.

آمریکا

به طور کلی می‌توان چنین اظهار داشت که هدف اصلی آمریکا از حضور در آسیای مرکزی، مقابله با نفوذ چین، روسیه و ایران در این منطقه بوده است. بنابراین اولویت‌های عمده این کشور در آسیای مرکزی، یعنی مبارزه با تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی، توسعه دموکراسی، مبارزه با مواد مخدر و ممانعت از رشد اسلام سیاسی (جوادی ارجمند و سلاورزی زاده، ۱۳۹۶)، بهتر است در همین چارچوب مورد بررسی قرار بگیرند. هدف مزبور به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب لشکرکشی آمریکا به عراق و به ویژه افغانستان، از اهمیت بیشتری برخوردار شد؛ چرا که باعث حضور نظامی همه‌جانبه آمریکا در پنج کشور آسیای مرکزی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در بعضی از آنها گردید. علاوه بر این، پس از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان، با علم به این که آمریکا نمی‌تواند این منطقه مهم در عرصه بین‌الملل را به رقبای خود واگذار کند، در نتیجه بحث حمایت آمریکا از ثبات منطقه توسط این کشور مطرح و بر آن تاکید شده است. موضوع عرضه انرژی و تضمین منافع فرامنطقه‌ای آمریکا در منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و در نتیجه کمتر شدن وابستگی این کشور به خاورمیانه (حمیدی نیا و صالحی، ۱۳۹۴: ۱۶) می‌تواند از این منظر قابل بازنگری باشد که پروژه جاده ابریشم جدید^۲ از جمله نقاط عطف آن به شمار می‌آید. این پروژه که ضامن منافع ژئوپلیتیک آمریکا در آسیای مرکزی است، در وهله نخست به قصد کاهش نفوذ روسیه، چین و ایران شکل گرفته است. در کنار این پروژه باید

^۱. Peace Pipeline

^۲. The New Silk Road

از تلاش آمریکا برای حذف ایران از پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای نام برد که البته در عمل به زیان بعضی از کشورها مثل هند که به منابع انرژی ایران وابستگی زیادی دارد، منجر شده است. احداث خط لوله صلح برای انتقال گاز ایران به شبه‌قاره هند (پاکستان و هندوستان) که قبلاً به آن اشاره شد، آن هم در شرایطی که هر دو قدرت اتمی با یکدیگر در نوعی جنگ سرد به سر می‌برند، به معنی تلاش ایران برای برقراری دیپلماسی انرژی همراه با تامین منافع ملی (اقتصادی) خود می‌باشد که البته این امر، مخالفت آمریکا را به دنبال داشته است و به همین دلیل این کشور از هیچ اقدامی برای توقف پروژه مذکور کوتاهی نکرده است؛ از جمله تعیین خط لوله موسوم به ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هندوستان^۱ موسوم به تاپی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳). در هر صورت، ایران که در مخالفت با حضور و نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی با چین و روسیه همسو می‌باشد، دیپلماسی انرژی خود را در این چارچوب بازتعریف کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد که ایران از موقعیت خود برای تاثیرگذاری بر کشورهای ترکمنستان (شریک مهم بازار انرژی ایران) و تاجیکستان (کشور فارسی زبان با اشتراکات فرهنگی زیاد) قویاً استفاده نکرده است تا از این طریق از هژمونی آمریکا در این کشورها کم کند.

ترکیه

بعد از جدایی کشورهای آسیای مرکزی از اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه نخستین کشوری بود که استقلال آنها را به رسمیت شناخت و از آن تاریخ تا امروز تلاش داشته است که دیپلماسی اقتصادی انرژی محور خود را در این منطقه همپا با دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم^۲ پیش ببرد. بدون شک پیوندهای فرهنگی، قومی و زبانی ترکیه با ملل آسیای مرکزی در توسعه روابط دیپلماتیک این کشور با آنها نقش مهمی داشته است. نباید فراموش کرد که ترکیه، در مسیر دیپلماسی خود در آسیای مرکزی، از یک طرف برای آمریکا و اتحادیه اروپا در منطقه نقش ثانویه قائل است و از سوی دیگر نفوذ هژمونیک روسیه را قبول کرده است. ضمناً برقراری شورای کشورهای ترک توسط این کشور در سال ۱۹۹۱ با هدف ملت‌سازی ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قزاقستان (همراه با آذربایجان در جنوب قفقاز) و کمک به توسعه اقتصادی این کشورها با الگو قرار دادن

1. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India

2. Soft power

ترکیه و نقش رهبری وی در این فرآیند، به تبدیل این کشورها به شرکای اقتصادی و بعضاً استراتژیک مهم برای ترکیه منجر شد.

موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک و استراتژیک آسیای مرکزی از یک طرف و وجود معادن و منابع هیدروکربن غربی از طرف دیگر باعث شده‌اند تا ایران و ترکیه تمایلات یکسانی را در این منطقه دنبال نمایند؛ هر چند رویکرد آنها که منطبق با مبانی و اصول سیاست خارجی و دیپلماسی آنها می‌باشد، یکسان نیست. ایران بر ترویج اسلام شیعی در منطقه و عدم حضور غرب و به خصوص آمریکا تاکید دارد و ترکیه ریشه‌های فرهنگی و قومی و زبان مشترک را مطرح می‌سازد تا از این طریق به یک «منطقه امن» برای هویت ترکی دست پیدا کند که علاوه بر ملل ترک زبان آسیای مرکزی، جنوب قفقاز را هم شامل می‌شود (Asr and Akpinar, 2011). از این منظر، با وجود نزدیکی و همسایگی ایران و ترکیه به یکدیگر، اما فضای رقابتی بین آنها در آسیای مرکزی ناشی از دو امر مهم است:

تقابل ترکیه با الگوی اسلامی شیعی و ایدئولوژیک ایران از طریق به کارگیری قدرت نرم و معرفی خود به عنوان یک کشور مسلمان با یک دموکراسی سکولار و توسعه یافته‌ی بانفوذ؛

تلاش ترکیه برای ایفای نقش محوری در حوزه انرژی آسیای مرکزی و دریای خزر از طریق نیازمند ساختن کشورهای حوزه نامبرده به روابط متقابل به منظور ادغام در اقتصاد جهانی.

ایران از خلال دیپلماسی انرژی خود در آسیای مرکزی به این نتیجه رسیده است که ترکیه، در مقام شریک و رقیب، به دنبال دسترسی به منابع انرژی کشورهای این منطقه است و با توجه به این که منابع دریای سیاه کفاف نیازهای این کشور را نمی‌دهند، بنابراین باید اطمینان حاصل نماید که دو رقیب اصلی وی در منطقه، یعنی روسیه و ایران، مسیرهای مواصلاتی و کریدورهای انتقال انرژی را به انحصار خود درنیاورند. ضمناً نقش میانجی فعالانه این کشور در حل و فصل منازعات بین کشورهای نامبرده و آذربایجان بر سر میادین نفت و گاز را باید در همین راستا ارزیابی نمود. با این که در حوزه انتقال انرژی، ما با خط

^۱ در این رابطه نباید از نقش جریان فتح‌الله گولن به عنوان یکی از اهرم‌های اصلی قدرت نرم ترکیه در بین کشورهای آسیای مرکزی غافل شد که به جای ترویج پان‌ترکیسم، تلاش می‌کند تا تصویری صلح‌طلبانه از اسلام و امکان ادغام آن با سکولاریسم و ارزشهای مدرن را ارائه دهد (قادری و بخشی، ۱۴۰۱: ۷۶).

لوله تبریز - آنکارا و به خصوص خط لوله پارس (برای انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه) روبرو هستیم، اما ترکیه با حمایت از خط لوله ترانس خزر^۱ (انتقال گاز طبیعی قزاقستان و ترکمنستان به آذربایجان و ترکیه و سپس به اروپا)، عملاً ایران (و روسیه) را دور می‌زند. علاوه بر این، ترکیه پروژه «مسیر لاجوردی»^۲ را هم مطرح کرده است که منجر به اتصال بنادر ترکمن‌باشی (ترکمنستان) و آکتائو (قزاقستان) با باکو (آذربایجان) شده و در نتیجه به مسیر تجاری جاده‌ای ایران نیازی نیست. با وجود این، دیپلماسی ایرانی در صورت موفقیت در طرح لوله نابوکو برای انتقال گاز طبیعی دریای خزر به اروپا که منجر به کاهش وابستگی این اتحادیه به روسیه می‌شود، می‌تواند موافقت ترکیه را به دنبال داشته باشد؛ چون پیوستن ایران به خط لوله مزبور برای ترکیه منافع ترانزیتی به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

اهمیت تاریخی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و بهره‌مندی از منابع سرشار انرژی باعث شده‌اند تا کشورهای آسیای مرکزی، به خصوص از زمان استقلال از اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز، سهم مهمی در اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کرده و در نتیجه نظر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود جلب نمایند و در نتیجه فضایی سرشار از رقابت و مشارکت در منطقه شکل بگیرد که در آن، کشورهای روسیه، چین، آمریکا، ایران و ترکیه، به تعقیب منافع خود در حوزه‌های گوناگون و از جمله حوزه انرژی مبادرت نمایند. با توجه به فقدان زیرساختهای کارآمد برای بهره‌برداری و انتقال منابع انرژی، ایران از جمله کشورهایی است که می‌تواند با تاکید بر دیپلماسی انرژی و نفوذ خود در منطقه، در عین رقابت و همکاری نزدیک با سایر قدرت‌ها، در روند ظرفیت‌سازی انرژی آسیای مرکزی نقش مهمی ایفا کند. به عبارت دیگر، ایران قادر است با تاکید بر سه مولفه مهم، یعنی تولید و تجارت و نیز انتقال انرژی، سهم مهمی در بازار آسیای مرکزی و مراودات با همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای داشته باشد. در این راستا، چنانچه دیدیم، تاکید ایران بر عدم حضور بیگانگان و در راس آنها آمریکا، رویکرد دیپلماتیک این کشور را به چین و روسیه نزدیک کرده است و از طرف دیگر، مناسبات این کشور با ترکیه نیز علاوه بر

¹. Trans-Caspian Gas Pipeline

². Lapis Lazuli corridor

مسئله اولویت انرژی و تامین امنیت آن، تحت تاثیر قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ترکیه بوده است. در کنار این مهم، نقش تحریم‌های بین‌المللی و تلاش آمریکا برای منزوی ساختن ایران، علاوه بر فرصت‌سازی، به حذف یا به حاشیه راندن ایران از پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای به خصوص در آسیای مرکزی و حوزه خزر منجر شده و در نتیجه بر ظرفیت‌سازی دیپلماسی انرژی این کشور سایه انداخته است؛ طوری که در غیاب ایران، روسیه دست به انحصار مسیرهای صادرات انرژی زده و ترکیه هم با توجه به نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و نزدیکی به اروپا، بعضاً به دور زدن ایران از طریق مسیرهای مواصلاتی جایگزین اقدام کرده است.

براین اساس به نظر می‌رسد دیپلماسی انرژی در این حوزه مستلزم بکارگیری راهبردهای زیر است: در سطح کلان ایران‌نایزمند تعادل در روابط با شرکا و رقبای اصلی خود یعنی آمریکا، روسیه و چین است. به نظر می‌رسد هرچقدر ایران به دنبال ارتقای روابط با چین و روسیه است بخش مهمی از مسائل ایران ناشی از مشکل آفرینی آمریکا است. بررسی کارشکنی‌های کشور اخیر در انتقال انرژی ایران از مسیرهای گوناگون گواه این امر است. در سطح منطقه‌ای ایران نیازمند افزایش تعامل و همکاری با شرکا و رقبای منطقه‌ای همچون ترکیه است. با در نظر گرفتن اینکه ترکیه در مسئله توسعه رقیب رویکرد و مدل ایرانی محسوب می‌شود در حوزه انرژی تلاش می‌کند تا بر حوزه خزر تسلط یافته و در این زمینه از تنش ایران با آذربایجان استقبال می‌کند.

منابع و مأخذ:

- Aras, B. and Akpinar, P., (2011). "The Relations between Turkey and the Caucasus". *Perceptions*, 16 (3), 53–68.
- Asgharkhani, Abumohammad, Baghaee, Korram and Smoudi, Alireza (2010), "Russia-EU Relations and Its Prospects", *Central Eurasia Studies*, Vol. 4, No. 7, pp. 124-143. https://www.jcep.ut.ac.ir/article_22262.html [in Persian].
- Chandra, Amiya (2017), *The Trade Game: Engaging with Central Asia*, New Delhi: Pentagon Press.
- Chaudhary, Shamila N. (2010), "Iran to India Natural Gas Pipeline: Implications for Conflict Resolution & Regionalism in India, Iran, and Pakistan". *School of International Service*. Retrieved 20 March 2010.
- Dekmejian, Hrair & Simmonian, Hovann (2017), *Troubled Waters: The Geopolitics of the Caspian Region*, New York: I. B. Tauris.
- Domnin, S., (2019), "Sergei Domnin: Hydro-Energy Problems in Central Asia: A View from Kazakhstan", *Central Asia Bureau for Analytical Reporting*, available at: <https://cabar.asia/en/sergei-domnin-hydro-energy-problems-in-central-asia-a-view-from-kazakhstan/>, accessed on 12th June 2021.
- Dorian, James P. (2006), "Central Asia: A Major Emerging Energy Player in the 21st century", *Energy Policy*, Vol. 34, No. 5.
- Dunaeva, Elena (2018), "Russo-Iranian Political Relations in the First Decade of the Twenty-First Century", *Iranian Studies*, Vol. 46, Issue 3, pp.443–469 (457).
- Energy Information Administration (EIA) (2018), "Caspian Region: Key Oil and Gas Statistics", Available at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspstats.html>.
- ENI (2018), *World Oil Review*, Vol. 1. Rome, Italy: Eni. Available at: https://www.eni.com/docs/en_IT/enicom/company/fuel-caffe/WORLD-OIL-REVIEW-2018-Volume-1.Pdf.
- Gielen, Dolf and others (2019), "The Role of Renewable Energy in the Global Energy
- ابراهیم پور، جواد (۱۳۹۵)، «رقابت ایران و روسیه در زمینه تامین انرژی جهانی: نگاهی بر دوره پساجوهریم»، **پژوهش ملل**، آبان ۱۳۹۵، دوره اول، شماره ۱۱، صص ۲۷-۴۰.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱)، «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، **نشریه راهبرد**، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۶۴، صص ۱۸۹-۲۲۰.
- تریلین، کارل (۱۳۹۰)، **معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی**، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نی.
- جوادی ارجمنند، محمدجعفر و سلواوزی زاده، صالح (۱۳۹۶)، «راهبرد سیاسی - نظامی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر؛ هدف‌ها و چالش‌ها»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، دوره دهم، شماره ۲، صص ۲۷۷-۲۸۱.
- حسین زاده، وحید (۱۴۰۰)، «جایگاه گاز طبیعی در دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه: ظرفیت‌ها و موانع»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، 14(2), 75-100.
- حمیدی‌نیا، حسین و صالحی دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۴)، «انرژی عرضه بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی (مطالعه موردی روسیه، آمریکا و چین)»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۹۰، صص ۶۷-۹۶.
- صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۲)، «ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره ششم، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۴.
- صادقی، سیداکبر، دهقانی فیروزآبادی جلال، آجیلی، هادی (۱۳۹۵)، «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۰۵-۷۳.
- قادری، هاشم و بخشی، احمد (۱۴۰۱)، «دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۹، پاییز ۱۴۰۱، صص ۶۱-۸۸.
- کریمی پور، داود، نیاکوئی، سید امیر، سیمیر، رضا (۱۳۹۶)، «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال ششم، شماره ۲۰.
- گل‌افروز، محمد (۱۳۹۴)، «نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **سیاست جهانی**، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۳، صص ۱۹۹-۲۲۴.
- مادسن جولیان (۱۳۸۶)، **جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین**، ترجمه علی حسین‌زاده، تهران: مرکز پژوهش‌های خلیج فارس.
- موسوی شفقانی، مسعود؛ اصولی، قاسم و رسولی، رویا (۱۳۹۳)، «تبیین مسیرهای انتقال انرژی بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل: مطالعه موردی خط لوله تاپی و صلح»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، بهار ۱۳۹۳، شماره ۸۵، صص ۱۶۱-۱۸۹.

- Patnaik, Ajay (2016), *Central Asia: Geopolitics, Security and Stability*, New Delhi: Routledge.
- Pizzolo, Paolo & Andrea Carteny (2022), "The New Great Game", *Central Asia: From a Sino-Russian Axis of Convenience to Chinese Primacy? The International Spectator*, DOI: 10.1080/03932729.2021.2007611
- Ramakrushna, Pradhan (2019), "Petro-Politics and Pipeline Diplomacy in Central Asia: Can India Afford to Wait in the Wings?", *India Quarterly*, Vol. 75, No. 4, pp.472-489.
- Roy, Meena Singh (2012), "Iran: India's Gateway to Central Asia", *Strategic Analysis*, 36:6, 957-975, DOI: 10.1080/09700161.2012.728862.
- Sikri, R. (2018), "The Geopolitics of Energy Security and Implications for South and Southeast Asia", *ISAS Working Paper*, National University of Singapore, No. 37, p. 2.
- Smil, Vaclav (2015), *Natural Gas: Fuel for the 21st Century*, Hoboken: Wiley.
- Vakulchuk, R. & Others (2020), "Renewable Energy and Geopolitics: A Review". *Renewable and Sustainable Energy Review*, <https://doi.org/10.1016/j.rser.2019.109547>.
- World Nuclear Association (2021), "World Uranium Mining Production", available at: <http://www.world-nuclear.org/information-library/nuclear-fuel-cycle/mining-of-uranium/world-uranium-mining-production>. Aspx. Access on 15 Jan 2021.
- Zhou, Qiang, He Ze and Yang Yu (2020), "Energy geopolitics in Central Asia: China's involvement and responses", *J. Geogr. Sci.* 2020, 30(11): 1871-1895. DOI: <https://doi.org/10.1007/s11442-020-1816-6>
- Transformation", *Energy Strategy Reviews*, Vol. 24, pp. 38-50.
- Griffiths, David (2019), "What's in a Name? The Legal Regime in the Caspian Sea (or Lake)," *Ocean Yearbook* 23, Leiden, Netherlands: Brill, pp.161-192.
- Griffiths, Steven (2019), "Energy Diplomacy in a Time of Energy Transition", *Energy Strategy Reviews*, Vol. 26, No.4, pp. 1-10.
- Kaplan, D. R. (2018), "The Geopolitics of Energy", *Forbes*, Retrieved July 11, 2022, from <http://www.forbes.com/sites/stratfor/2018/04/04/the-geopolitics-of-energy/>
- Kazantsef, Andrei, Svetlana Medvedeva and Ivan Safranchuk (2021), "Between Russia and China: Central Asia in greater Eurasia", *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 12(1), 57-71. <https://doi.org/10.1177/1879366521998242>
- Klare, M. T. (2018), *The Race for What's Left: The Global Scramble for the World's Last Resources*, Picador.
- Knoema (2021), "Turkmenistan - Crude Oil including Lease Condensate Reserves", World Data Atlas: <https://knoema.com/atlas/Turkmenistan/topics/Energy/Oil/Crude-oil-reserves>.
- Koolae, Elaheh (2010), "Iran's Role in Energy Security in the Region and the World", *Political and International Research*, No. 4, pp. 63-90 [in Persian].
- Krapohl, Sebastian & Alexandra Dienes (2020), "The Region That Isn't: China, Russia and the Failure of Regional Integration in Central Asia", *Asia Europe Journal*, <https://doi.org/10.1007/s10308-019-00548>.
- Laruelle, M. (2018), "China's Belt and Road Initiative and its Impact in Central Asia", *Voices on Central Asia*, available at: <http://voicesoncentralasia.org/chinas-belt-and-roadinitiative-and-itsimpact-in-central-asia/>, accessed 30 August 2018.
- Pascual, C. (2018), "The Geopolitics of Energy: From Security to Survival", Brookings Institutions.